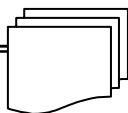


مبانی روایی حمایت از حریم خصوصی

با تاکید بر فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی رحمته الله علیه

علی جعفری^۱ و عظیم عابدینی^۲



چکیده: بسیاری تصور کرده‌اند، حمایت از حریم خصوصی، محصول کنوانسیون‌های حقوق بشری و خواستگاه آن غرب است، در حالیکه با بررسی روایات ناظر به حریم خصوصی بطلان این دیدگاه محرز می‌شود.

اصطلاح حریم خصوصی (الحیاه الخاصه یا الخصوصیه) در آیات و روایات بکار نرفته است. اما روایات متعددی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام وجود دارد که می‌توان با تبیین آنها دیدگاه اسلام در مورد حریم خصوصی را استخراج نمود. از این روایات می‌توان به عنوان مبانی روایی فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) در خصوص لزوم حمایت از حریم خصوصی شهروندان و منع تجاوز به آن از سوی دولتمردان نام برد.

این روایات را می‌توان در چند دسته‌بندی کلی مورد بررسی قرار داد: افشاء سر، ممنوعیت تجسس و تحسس، ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان و همچنین تصرف بدون اذن، ممنوعیت استراق سمع و بصر، ممنوعیت غیبت و ممنوعیت هتک ستر.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، امام خمینی، افشاء سر، تجسس، سوء ظن، استراق سمع.

۱. عضو شورای علمی و مدیر گروه فقه و حقوق ارتباطات پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام

E mail: jafarilaw@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مدرس مبانی نظری اسلام، دانشگاه تهران

مقدمه:

حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر فرد است که انتظار معقول دارد دیگران بدون رضایت او وارد آن قلمرو نشوند یا به اطلاعات آن قلمرو دسترسی نداشته باشند. مطابق بند ۱ ماده ۲ طرح حمایت از حریم خصوصی، حریم خصوصی «قلمروی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا برآن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند.»

حریم خصوصی را به چهار نوع تقسیم کرده‌اند:

- ۱- حریم خصوصی جسمانی
- ۲- حریم خصوصی مکانی
- ۳- حریم خصوصی اطلاعات
- ۴- حریم خصوصی ارتباطات

مهمترین اسناد بین‌المللی که متعرض مسأله حریم خصوصی شده‌اند، عبارتند از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی برای حمایت از حقوق بشر و آزادیهای بنیادین.

ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مقرر می‌دارد:

«۱. در زندگی شخصی، خانواده، منزل یا ارتباطات هیچ کس نباید خودسرانه یا غیرقانونی مداخله شود یا آسیب و لطمه غیرقانونی به آبرو یا حیثیت او وارد آید.

۲. هر کسی در برابر چنین تعرض یا آسیبی حق دارد از حمایت‌های قانونی برخوردار شود.»

فرمان هشت ای ماده امام خمینی(ره)

حضرت امام خمینی(ره) در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۴ یعنی پس از گذشت نزدیک به ۴ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، فرمان هشت ماده‌ای خطاب

به ارگان‌های قضایی، اجرایی در مورد اسلامی شدن عملکردها صادر کردند که مهمترین سند در رابطه با حریم خصوصی در ایران است. در بند شش این فرمان چنین آمده است: «هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام این‌ها جرم و گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشد.» حضرت امام (ره) در ادامه می‌فرماید: «و مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آن جا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل موادمخدره برخورد کردند حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ‌کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد. و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الارض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آن چه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضائی معرفی کنند. و هم چنین هیچ‌یک از

قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادرکننده و اجراکننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است.»

نکته قابل توجه این است که در غرب، زمانی که دچار مشکلات امنیتی می‌شوند، اولین قربانی، حریم خصوصی شهروندان است، چنانچه پس از ۱۱ سپتامبر شنود مکالمات شهروندان توسط دولت آمریکا تجویز شد. در اروپا پیش از ۱۱ سپتامبر به موجب الزام دستورالعمل شورای اروپا، تمام کشورهای اروپایی موظف به تصویب قوانین خاص درخصوص حمایت از حریم خصوصی شدند، لکن پس از ۱۱ سپتامبر این روند نه تنها متوقف شد، بلکه معکوس شد! (ر.ک: جعفری، ۱۳۸۴، ص ۲۲۰)

در ایران خلأ قانونی جدی در حمایت از حریم خصوصی به ویژه حریم خصوصی اطلاعات باعث شد قانونگذار در بند «ه» ماده ۱۳۰ برنامه چهارم توسعه، قوه قضاییه را موظف به تهیه لایحه حمایت از حریم خصوصی در راستای اجرای اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمود. متأسفانه تاکنون قوه قضاییه اقدامی نسبت به اجرای بند «ه» ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه انجام نداده است.

نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد برای حمایت از حریم خصوصی و مقوله‌های مختلف آن در نظام حقوقی اسلام مبانی محکمی وجود دارد که امروزه برای حمایت از آن کفایت می‌کند. از این رو، وصف حقوق بشری حریم خصوصی ارزش افزوده‌ای برای نظام حقوقی و اخلاقی اسلام ندارد. به نظر نویسنده، تأکید اسلام بر حرمت زندگی خصوصی بسیار فراتر و بیش‌تر از آن حدی است که امروزه با استناد به حق بشری یا حق اساسی بودن حق حریم خصوصی دنبال می‌شود.

اصطلاح «حریم خصوصی» در آیات قرآن و روایات اسلامی استعمال نشده و موضع اسلام در مواجهه با مقوله حریم خصوصی، موضع به اصطلاح «تحویل گرایانه» است. یعنی حریم خصوصی، در قالب احاله به

حقوق و تکالیف دیگر نظیر حق مالکیت، منع تجسس، اصل برائت، منع سوء ظن و اشاعه فحشا و سب و هجو و قذف و نمیمه و غیبت و خیانت در امانت حمایت شده است.

در مقوله حریم خصوصی، آیات ۱۲ سوره حجرات و ۱۹ سوره نور و روایات بسیاری وجود دارد. مباحثی را که در آنها درباره حریم خصوصی و بیان علل و حکمتهای حمایت از آن به کار رفته‌اند می‌توان تحت عناوین ذیل دسته‌بندی نمود:

الف - ممنوعیت افشاء سر

ب - ممنوعیت تجسس و تحسس

ج - ممنوعیت سوء ظن

د - ممنوعیت اشاعه فحشا و هتك ستر

ه - ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان

و - ممنوعیت استراق سمع و بصر

ز - ممنوعیت نمیمه و غیبت

اینک درباره هر یک از عناوین مذکور و ارتباط آنها با حریم خصوصی توضیح می‌دهیم.

الف - ممنوعیت افشاء سر

در مورد افشاء سر و حرمت اشاعه اسرار، در ذیل آیه ۲۱ سوره آل عمران «ان الذین یکفرون بآیات الله و یقتلون النبیین بغیر حق و یقتلون الذین یامرون بالقسط من الناس فبشرهم بعذاب علیم» احادیثی نقل شده حاکی از اینکه بنی اسرائیل اسرار انبیاء را افشاء می‌کردند و این افشاء سر موجبات قتل انباء را فراهم می‌کرده، قرآن این گروه را قاتل انبیاء دانسته است. در کافی روایاتی نقل شده که اگر افشاء سر کسی موجب قتل او شود، در نامه اعمال افشا کننده سر، قتل ثبت می‌شود. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۱)

هم چنین حضرت علی علیه السلام فرمودند: «من کشف حجاب أخیه انکشف عورات بیته.» هر کس از اسرار برادر دینی خود پرده بردارد،

خداوند نیز اسرار خانه او را فاش می‌سازد. (آمدی، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۲۷۱)
 علاوه بر این دسته روایات، روایاتی وجود دارد که اطلاق آنان، نهی از
 نقض حریم خصوصی را دربر می‌گیرد. نظیر کلیه روایات در خصوص
 ایذاء مومن و روایات هتک حرمت مومن و معونه بر ظلم. از جمله از امام
 صادق علیه السلام نقل شده است که: «من اعان علی مومن بشطر کلمه جاء یوم
 القیامه و بین عینیه مکتوب آیس من رحمه الله» هر کس علیه مومنی کاری
 انجام دهد که بر او ضرر وارد شود و لو با گفتن کلمه‌ای روز قیامت
 درحالی محشور می‌شود که در پیشانیش نوشته مایوس از رحمت خداوند.
 (صدوق، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۹۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «لیس لاحد ان یحدث بحدیث یکتبه صاحبه
 الا باذنه» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۰)
 پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در وصیت خود به ابوذر می‌فرماید: «یا اباذر
 المجالس بالامانه و افشائک سر اخیک خیانه فاجتنب ذالک» (حر
 عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص ۳۰۷)

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: آیا عورت مومن بر
 مومن حرام است؟ حضرت می‌فرماید: بله و آن افشاء سر اوست. (حر
 عاملی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۷) و نیز در حدیث بلند نثر الدرر^۱ در تحف
 العقول (ر.ک: حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۳۱) در مورد افشاء سر، بیاناتی آمده
 است.

ب - ممنوعیت تجسس و تحسس

خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره حجرات فرموده است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ
 أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ.**
 ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری گمانها درباره دیگران پرهیزید،

۱. نثر الدرر صحیفه‌ای است در کلمات قصار آن حضرت علیه السلام که گویا به صورت
 مجموعه‌ای واحد بوده و «ابن شعبه حرانی» آن را در کتاب تحف العقول یک جا آورده
 است.

براستی که برخی از گمانها گناه است. درباره همدیگر جاسوسی و کنجکاوی نکنید، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! البته که از آن بدتان می آید.

البته این آیه، هر سه مورد ممنوعیت تجسس، ممنوعیت سوء ظن و ممنوعیت غیبت را شامل می شود.

در مجمع البیان مرحوم طبرسی فرموده است: وَلَا تَجَسَّسُوا یعنی در پی جستجوی عیبه و دنبال کردن لغزشها مردم نباشید. ابو عبیده نیز گفته است: دو واژه تجسس و تحسس دارای معنا و مفهوم یگانه ای هستند. اخفش نیز گفته است: دو واژه تجسس و تحسس چندان از همدیگر دور نیستند، تنها تفاوت میان آنها اینست که «تجسس» - با جیم - به خبرجویی ها و پی گیری هایی در امور پنهانی گفته می شود و کلمه «جاسوس» نیز از همین ریشه می باشد. ولکن کلمه «تحسس» - با حاء بدون نقطه - درباره خبرجویی ها و کنجکاوی های مربوط به امور آشکار و شناخته شده به کار برده می شود.» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۳۷)

در هر صورت لازم است که بگوییم: اولاً، طبق این آیه شریفه خداوند متعال در اکثر موارد از هر گونه «بدگمانی» درباره مؤمنان نهی فرموده است.

ثانیاً، خداوند مردم را از هر گونه تجسس و کنجکاوی درباره امور پنهانی و زندگانی شخصی افراد برحذر داشته است.

ثالثاً، در صورت آگاهی پیدا کردن به اسرار، عیوب و مسائل شخصی دیگران [از هر طریقی که باشد] از بازگو و پخش آن در میان مردم نهی کرده است. به گمان ما از آیه شریفه می توان چنین برداشت نمود که «زندگی» هر انسانی بسته به آبرو، حیثیت و شخصیت اجتماعی او می باشد. بنابراین، از بین بردن آبرو و آلوده ساختن «شخصیت اجتماعی» و هتک حرمت هر فردی به مثابه از بین بردن زندگی و حیات اوست. یعنی سلب آبروی یک نفر بوسیله شایعات و یا نقل اسرار و عیوب او مساوی با اعدام شخصیت اجتماعی اوست.

شایسته یادآوری است با توجه به اینکه متعلق این آیه شریفه حذف شده، به این معنی که مصداق خاصی برای ظن و «مورد تجسس» ذکر نگردیده، لذا در زمینه تحریم خبرجویی و کنجکاوی (تجسس) نسبت به دیگران و پخش کردن اسرار آنان اطلاق دارد. به دلیل حذف متعلق آن، می‌فهمیم که درباره هیچ امری نمی‌توان تجسس کرد، مگر اینکه دلیل شرعی خاص برای موارد خاص وارد شده باشد. در مورد افشاء اسرار و عیوب دیگران نیز مطلب از همین قرار است.

از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایات متعددی در خصوص ممنوعیت تجسس و تفتیش نقل شده است. از جمله اینکه:

۱. «إياكم والظن فإن الظن أكذب الحديث، ولا تجسسوا ولا تحسسوا ولا تناجسوا». (حمیری قمی، قرب الاسناد، ص ۱۵ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۲۵۲)

از گمان پرهیزید، چرا که گمان، سخن را در گرداب دروغ افکند؛ از کنجکاوی و پاییدن یکدیگر پرهیزید؛ از حال کسی تفتیش مکنید و نجش مکنید (نجش یعنی اذاعه و نشر) (مجمع البحرین)).

۲. اسحاق بن عمار از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند و ایشان از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرمود: «يا معشر من آمن بلسانه ولم يدخل الايمان قلبه، لا تغتابوا المسلمين ولا تتبعوا عوراتهم فإنه من اتبع عوراتهم يتبع الله عورته و من يتبع الله عورته يفضحه و (ولو) في بيته» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۴)

ای گروهی که به زبان اسلام آورده‌اید و ایمان در قلب شما جای نگرفته است، از مسلمانان بدگویی مکنید و در جستجوی عیبهای آنان مباشید؛ چرا که هر کسی در پی کاستیهای آنان برآید خداوند در جستجوی عیوب او خواهد بود و آن‌که خدا با او چنین کند، رسوایش خواهد ساخت، هر چند درون خانه‌اش باشد.

۳. «إني لم أومر أن انقب عن قلوب الناس ولا أشق بطونهم» (ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۹۱) من مأمور نگشته‌ام دل‌های مردم را بشکافم و از افکار درونی آنها باخبر شوم.

۴. «و من مشی فی عیب اخیه و کشف عورته کان اول خطوه خطأها و وضعها فی جهنم و کشف عورته علی رؤوس خلایق». (حر عاملی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۰۲) هر کسی در راه جستجوی عیوب و کشف لغزشهای برادرش گام نهد، پای در آتش دوزخ گذارده است و خداوند عیوب او را بر همگان آشکار خواهد کرد.

۵. «من رأى عوره فسترها كمن أحيأ مؤؤود». (سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۵۴) هر کس عیب دیگری را بپوشاند همانند کسی است که زنده به گوری را نجات داده باشد.

۷. «انک ان اتبع عورات الناس او عثرات الناس افسدتهم، او کدت ان تفسدهم». (بیهقی، بی تا، ج ۸، ص ۳۳۳) اگر تو در صدد پی جوئی و کشف اسرار و یا لغزشهای مردم باشی در این صورت آنان را به فساد کشانیده و یا به آن نزدیک ساخته‌ای.

۸. امام علی علیه السلام در نامه خویش به مالک اشتر هنگامی که وی را به سمت فرماندار مصر انتخاب کردند تجسس حاکم در احوال مردم را منع کرده، مالک را به پوشاندن عیوب مردم و دوری جستن از افرادی که عیوب دیگران را آشکار می‌سازند، توصیه فرموده است:

«ولیکن أبعده رعیتک منک وأشأنهم عندک، أطلبهم لمعائب الناس. فإن فی الناس عیوباً؛ الوالی أحق من سترها؛ فلا تکشفن عما غاب عنک منها؛ فإنما علیک تطهیر ما ظهر لک والله لکم علی ما غاب عنک؛ فاستر العوره ما استطعت یستر الله منک ما تحب ستره من رعیتک... وتغاب عن کل ما لا یضح لک ولا تعجلن الی تصدیق ساح فان الساعی غاشٌّ وإن تشبه بالناصحین». (نهج البلاغه، ۱۴۱۷ق، نامه ۵۳، ص ۵۶۸) باید دورترین مردم از تو و مبعوض‌ترین آنان نزد تو کسی باشد که پیوسته در پی عیوب

مردمان است؛ چه آنکه در مردم لغزشهایی وجود دارد که حاکم از هر کس دیگر به پوشاندن آنها سزاوارتر است. پس در جستجوی امور پنهان مباش، و وظیفه حاکم تو پاک کردن ظواهر است و این پروردگار است که پروردگار بر هر آنچه از تو نها است حکم می‌کند. پس تا آنجا که می‌توانی عیب را بپوشان تا خداوند نیز آنچه را دوست داری از مردم مخفی بماند، بپوشاند... و از آنچه در نظرت روشن نیست کناره‌گیر. در تصدیق سخن چین شتاب مکن، زیرا سخن چین گرچه در لباس اندرز دهنده ظاهر می‌شود، خیانتکار است.

۹ - حضرت علی علیه السلام فرمود: «من بحث عن اسرار غیره أظهر الله أسراه.» هر کس که درباره اسرار و امور پنهانی دیگران جستجو و گفتگو کند خداوند نیز اسرار او را برای دیگران فاش خواهد فرمود (آمدی، ۱۳۸۱، ص ۳۷۱)

۱۰ - از امام صادق علیه السلام روایت است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «لا تطلبوا عثرات المؤمنین، فانه من تتبع عثرات اخیه، تتبع الله عثراته، و من تتبع الله عثراته یفضحه ولو فی جوف بیته.» درباره لغزشهای مؤمنین تجسس و جستجو مکنید، چونکه هر کس لغزشهای برادران مؤمن خود را پی جویی و تجسس کند، خداوند نیز لغزشهای خود او را پی جویی خواهد کرد، و چنین کسی را خداوند بی‌آبرو و رسوا خواهد ساخت هر چند که در درون خانه‌اش باشد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۵)

۱۱ - زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «اقرب ما یكون العبد الی الکفر أن یواخی الرجل علی الدین فیحصی علیه زلاته ليعیره بها یوماماً.» نزدیک‌ترین مرزها به کفر و بی‌دینی آنست که انسان لغزشها و معایب برادر دینی خود را شناسایی کرده و به یاد بسپارد، تا روزی آنها را فاش ساخته و به رخ او بکشد. (همان)

۱۲ - از حضرت علی علیه السلام روایت شده است: «شر الناس من لا یغفر الزله ولا یستر العوره.» بدترین مردم کسی است که لغزشهای

دیگران را نبخشد و گناهان دیگران را نپوشاند. (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۴۲۷)

تأمل در مجموع آیات و روایات فوق نشان می‌دهد که برخی از امور مردم به طور مطلق مصون از تجسس دیگران اعلام شده است (ضابطه نوعی) و تجسس در برخی دیگر از امور به دلایل خاصی تحریم شده است (ضابطه شخصی).

لغت‌شناسان در مورد تعریف اصطلاحات تجسس، تحسس و تفتیش و مترادف یا تغایر معنایی آنها اختلاف نظر دارند. به اعتقاد برخی، اصطلاحات مذکور دارای معانی واحد هستند و به اعتقاد بعضی دارای معانی متعدد.

تعاریف مختلفی که از تجسس و تحسس صورت گرفته است به طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱. قرطبی از قول أخفش می‌گوید که تفاوتی میان اصطلاحهای مذکور وجود ندارد و بسیار شبیه به هم هستند؛ زیرا:

الف) تجسس عبارت از دنبال کردن چیزی که از انسان کتمان شده است و تحسس عبارت است از دنبال خبر گشتن و مطلع شدن از اخبار دیگران بی‌آنکه کتمان در کار باشد.

ب) تجسس عبارت است از دنبال امور گشتن، ولی تحسس عبارت از چیزی است که انسان با بعضی حواس خود آن را درک می‌کند.

ج) تجسس یعنی دنبال گشتن برای دیگران و عامل و جاسوس دیگران بودن، اما تحسس یعنی دنبال خبر گشتن برای خویشتن نه برای دیگران. (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۳۳۴)

۲. ابن الجوزی نیز در زادالمسیر میان تجسس و تحسس تفاوت قائل شده می‌گوید:

تجسس یعنی دنبال عورات مردم گشتن ولی تحسس یعنی استماع سخنان دیگران. (قرشی البغدادی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۸۶)

۳. المناوی در فیض القدير وجه فارق سومى را میان تجسس و تحسس اعلام می‌کند. به اعتقاد وی، علاوه بر تفاوت‌های مذکور در سطور فوق، تجسس عبارت است از دنبال اخبار شرّ دیگران گشتن، ولی تحسس عام است و شامل اخبار شر و خیر می‌شود. (مناوی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۵۹)

۴. آیت الله سید محسن خرازی پس از ذکر اقوال مصباح المنیر، مقایس المنیر، صحاح جوهری، لسان العرب، اخفش و قرطبی که برخی به ترادف تجسس و تحسس معتقد بوده و برخی میان آنها تفاوت گذاشته‌اند، چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «فتحصل أن التجسس هو التتبع والتفحص عن بواطن الامور، سواء كان لنفسه او لغيره وسواء كان لداعی الشر او لداعی الخیر و سواء كانت الامور خیراً او شرّاً». (خرازی، همان)

به نظر می‌رسد که تعریف مذکور با حمایت از حریم خصوصی بیشتر سازگار است. زیرا بنا بر تعریف، حریم خصوصی قلمروی از زندگی است که به هر دلیلی از دیگران پنهان نگه داشته می‌شود به دیگر سخن، تنها امور باطنی یا غیر ظاهر هستند که می‌توانند مشمول حریم خصوصی قرار گیرند.

ج - ممنوعیت سوء ظن

در آیات قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام سوء ظن منشأ و ریشه اصلی تجسس و تفتیش در امور خصوصی دیگران معرفی شده است. به همین دلیل، برای برخورد بنیادی با معطل تجسس به مردم توصیه شده است که از سوء ظن درباره گفتار و اعمال دیگران پرهیز شود؛ به ظاهر اعمال و گفته‌ها اعتماد کنند، مگر آنکه خلاف آن اثبات شود نه آنکه ظواهر را براساس سوء ظن مورد تفتیش قرار دهند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الامیر اذا ابتغى الریبه فی الناس، افسدهم». اگر زمامدار ملتی بخواهد بدگمانی‌های خود را دنبال کند [و بر پایه آنها

تصمیم بگیرد] ملت خود را به فساد و تباهی خواهد کشانید. (بیهقی، بی تا، ج ۸، ص ۳۳۳) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همچنان فرموده‌اند: «إياكم والظن، فإن الظن الكذب الحديث ولا تحسسوا ولا تجسسوا». بر شما باد اجتناب از ظن، که همانا ظن کذب‌ترین سخن‌هاست و از تحسس و تجسس اجتناب کنید.

در روایتی از امیرالمؤمنین روایت شده است: «اطرحوا سوءالظن بینکم فان الله عزوجل نهی عن ذلك». از سوء ظن بین خود دوری ورزید که همانا خداوند از آن نهی کرده است. (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۶۹) علامه مجلسی در بحارالانوار از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «ان الله تعالی حرم من المسلم دمه و ماله و أن یظن به ظن السوء». همانا خداوند متعال، جان و مال را محترم ساخته و از سوء ظن به او منع کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۲۰۱)

از امام علی علیه السلام نقل شده است: «ضع أمر أخیک علی أحسنه حتی یأتیک ما یغلبک منه، ولا تظن بکلمه خرجت من أخیک سوأً و أنت تجد لها فی الخیر مهملاً». امر برادر (دینی) خود را بر شکل احسن آن تعبیر کن، مگر آنکه خلاف آن بر تو اثبات شود. بر سخن بدی که بر زبان برادرت جاری شده و تو می‌توانی مهملی برای تعبیر آن به خیر بیابی، ظن سوء مبر. (همان، ص ۲۰۰)

در تفسیر قرطبی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند خون مسلمان، آبروی مسلمان و بدگمان بودن درباره او را حرام کرده است». (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۳۳۲)

محمد بن فضیل از ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده است که: «به آن حضرت گفتم: فدایت شوم، گاهی می‌شود که مطالب ناپسندی درباره برخی از برادران دینی خود از دیگران می‌شنوم، ولیکن وقتی از خود او می‌پرسم، آن را منکر می‌شود، در حالی که دیگران که درباره او برایم نقل مطلب کرده‌اند مورد اعتماد و موثق می‌باشند، [آیا وظیفه من

چیست، سخنان دیگران را بپذیرم و یا انکار خود او را؟] حضرت برای من فرمود:

ای محمد! درباره برادران دینی خود چشم و گوش خود را تکذیب کن، و اگر دیگران درباره شخصی با پنجاه سوگند نیز گواهی دهند ولکن خود آن شخص خلاف حرف آنان را بگویند، حرف خود او را قبول کن. هرگز بر ضد آن برادرت افشاگری مکن که او را خوارگردانی و شخصیتش را از بین ببری؛ اگر چنین کاری را انجام بدهی از مصادیق این آیه شریفه خواهی بود که می‌فرماید: آنانکه نقل و پخش کردن کار بد در میان مؤمنان را دوست دارند، در آخرت برای‌شان عذاب دردناکی خواهد بود.» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۸۲) مشابه همین روایت را مرحوم کلینی در در روضه کافی نیز نقل کرده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۴۷) البته مسلم است که اطلاق این روایت منصرف از حق الناس است.

شایسته است بدانیم که منظور حضرت از اینکه «اگر درباره شخصی با پنجاه قسم هم گواهی دهند و خود او خلاف آن را بگویند، باید آنان را تکذیب کرد، این مطلب نیست که آنان را متهم به دروغ گویی کنیم، بلکه منظور اینست که عملاً به حرفشان ترتیب اثر داده نشود و بگوئیم امر بر آنها مشتبه شده است. چون، وقتی که متهم و یا مرتکب یک خطا و جرم، ارتکاب آن را نمی‌پذیرد، در واقع بدینوسیله از کرده خود اظهار پشیمانی و عذرخواهی می‌کند. بنابراین، باید درباره او از هر گونه افشاگری خودداری به عمل آید و لغزش او نادیده گرفته شود، هر چند که واقعاً نیز مرتکب کار خلافی شده باشد.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «سوء الظن یفسد الامور و یبعث علی الشرور.» بدگمانی نسبت به دیگران کارها را تباه می‌سازد و شرارتها را برمی‌انگیزد. (آمدی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۱۳۲)

امام صادق علیه السلام در تصدیق قول و فعل مسلم و نهی از سوء ظن فرموده‌اند: «المؤمن أصدق على نفسه من سبعين مؤمناً عليه». مؤمن در تصدیق نفس خود از هفتاد مؤمن صادق‌تر است. (همان)

در تعریف سوء ظن و تفسیر آیات و روایات مذکور علمای اسلام تعبیر مختلفی به کار برده‌اند. ابن جوزی در تفسیر آیه ۱۲ سوره حجرات می‌نویسد که ظن بر چهار قسم است: محذور، مأمور به، مباح و مندوب^۱ الیه. ظن محذور یعنی سوء ظن به خدای متعال، چون که حسن ظن به خدا واجب است. همچنین است سوء ظن به مسلمینی که ظاهرشان عادلانه است. ظن مأمور به عبارت است از ظن نسبت به چیزی بی‌آنکه دلیلی که وصول علم به آن را ممکن سازد ارائه شده باشد. در چنین مواردی، عمل به ظن غالب و اکتفا بر غلبه به جای علم، جایز است. پذیرش شهادت عدول و تقویم مستهلکات و ارشهایی که در قبال جنایات باید پرداخته شوند بر اساس این ظن صورت می‌گیرد. ظن مباح، همانند ظن پس از نماز است که در این صورت، شخص می‌تواند بنا بر بُعد غالب ظن خود عمل کند یا اینکه آن را نادیده بگیرد. در مورد چنین ظنی، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که در صورتی که ظنی در شما پیدا شد درباره آن تحقیق کنید، نظیر ظنی که در قلب خود نسبت به برادر خود پیدا می‌کنید و براساس این ظن به وی مشکوک می‌شوید. اما ظن مندوب الیه عبارت است از حسن ظن نسبت به برادر دینی. (قرشی البغدادی، همان، ص ۱۸۵)

از امام صادق علیه السلام منقول است که ریشه حسن ظن در حسن ایمان انسان و سلامت قلب او قرار دارد. هنگامی که می‌بیند یکی از برادران دینی شما خصلتی دارد که آن را انکار می‌کند (به خاطر آن سرزنش خواهد شد) در مورد آن خصلت وی هفت تأویل ارائه کنید. چنانچه قلباً به یکی از هفت تأویل راضی شدید چه بهتر، والا به سرزنش نفس خود پردازید تا خود را به کشف خصلتی که تأویلهای هفت‌گانه از فهم آن عاجز مانده‌اند

مجاز نداند و شما بهتر از آن شخص می‌توانید درصدد انکار آن خصلت برآیید. (نمازی، همان، ص ۴۰)

صاحب فیض القدر از قول «راغب» می‌گوید که ظن متکی بر اماره است و با توجه به اینکه اماره چیزی متردد بین یقین و شک است، گاهی به یقین نزدیک می‌شود و گاهی به شک. ظن به هنگامی که قوی‌تر از اماره است پسندیده و به هنگامی که در حد حدس و گمان است مذموم است. (مناوی، همان، ص ۱۵۹)

د - ممنوعیت اشاعه فحشا و هتك ستر

خداوند متعال در آیه ۱۹ سوره نور فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

کسانی که پخش کردن و شهرت دادن کار بد در میان مؤمنان را دوست دارند در این دنیا و سرای دیگر برای آنان عذابی دردناک می‌باشد. منظور از «اشاعه فحشا» در متن آیه شریفه همانا «افشاگری عیوب و اسرار مردم و غیبت کردن» آنان است. زیرا غیبت دیگران و بیان اسرار و عیوب و گناهان و لغزشهای افراد برای دیگران، عین انتشار و اشاعه فحشاء است.

کلینی در اصول کافی از ابن ابی عمیر، از برخی اصحاب امام صادق ع از آن حضرت نقل کرده که فرمود: «اگر کسی خطاها، لغزشها و گناهانی را که از مؤمنی با دو چشمان خود دیده و با دو گوش خود شنیده است برای دیگران بازگو کند، او از مصادیق این آیه شریفه خواهد بود که می‌فرماید: آنان که نقل و پخش کردن کار بد در میان مؤمنان را دوست دارند، در آخرت برای شان عذابی دردناک وجود دارد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۷)

اسلام نه تنها دولت و اشخاص ثالث را از ورود در حریم خصوصی انسان‌ها منع کرده است، بلکه به همه انسانها نیز دستور داده که از افشای امور و مسائلی که نوعاً برای دیگران فاش نمی‌شود و نوعاً کتمان آنها برتر از ابراز آنها تلقی می‌شود خودداری کنند. از پیامبر گرامی اسلام ص منقول است: «من اذاع الفاحشه کمن مبتدئها و من غیر مؤمناً بشيء لا یموت حتی

یرکبه.» همانا کسی که اشاعه فحشا می کند همانند کسی است که آن را به وجود آورده است و هر کسی مؤمنی را به خاطر عملی ملامت کند نمی-میرد تا اینکه آنرا مرتکب شود. (حر عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص ۲۹۶ و کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۶)

از مجموع روایات اسلامی و تفسیرهای آنها چنین برمی آید که افشای برخی مسائل خصوصی حتی با رضایت دارنده حریم خصوصی مجاز نیست، زیرا اشاعه فحشا محسوب می شود. همچنین است افشای مسائلی که به ستر عورت انسان مربوط می شود، زیرا حفظ عورت از واجبات است.

برخی فقها در توصیف انسان عادل تعبیری به کار برده اند که ذکر آن در این مقام بجا به نظر می رسد: «عادل یعنی کسی که عیبه و لغزشهای خود را می پوشاند ... و نه کسی که هیچ عیب یا لغزشی نداشته باشد. بلکه ... اگر عیب یا لغزشی باطناً از او سر بزند بر او واجب است که آن را از دیگران بپوشاند. زیرا اشاعه فحشا ممنوع است و ستر عورت واجب.» (نجفی، ۱۳۶۰، ج ۱۳، ص ۲۹۸ - صاحب جواهر این قول را از وحید بهبهانی در مصابیح الظلام نقل کرده است.)

منع اشاعه فحشا تا حد زیادی به آثار اجتماعی هتک ستر توجه دارد، اما وجوب پوشاندن عیبه و لغزشهای خود از دیگران و به عبارت دیگر وجوب ستر عورت (عورت به مفهوم اعم کلمه) امری است که امروزه در بحث از حریم خصوصی به عنوان یکی از حقوق بشر از آن به لاینفک بودن یاد می شود؛ امری که جدا از آثار اجتماعی هتک ستر در صدد دفاع از کرامت انسان بوده، مانع از آن است که انسان خود بر ضد کرامت خویشتن اقدام کند.

ه - ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان

در آیات قرآن و سنت اسلامی، ورود به منازل اشخاص منوط به استیئناس و استیذان شده است. استیئناس یعنی هنگام ورود به منزل دیگران باید خود را معرفی کرد و آشناییهای لازم را به صاحب منزل داد تا وی در

صورت تمایل در را بگشاید. استیذان نیز یعنی کسب رضایت صاحب منزل پیش از ورود به آن. امروزه استیناس و استیذان دو شرط بسیار مهم در تفتیش و بازرسی از منازل اشخاص است که از مقتضیات دادرسی عادلانه به شمار می‌رود.

۱. خداوند در آیه ۲۷ سوره نور فرموده است: «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا».

۲. آیه ۱۸۹ سوره بقره نیز می‌فرماید: «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا».

۳. حکم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در قضیه سمره بن جندب از مهم‌ترین نمونه‌های تاریخی است که بر ممنوعیت ورود بدون اذن به خانه‌های مردم دلالت می‌کند.

سمره بن جندب در خانه یکی از انصار یک نخل داشت که برای سرکشی به آن، بدون اذن صاحبخانه وارد منزل می‌شد. مرد انصاری که پس از چند بار اعتراض به این امر، راه به جایی نبرد شکایت نزد پیامبر برد. پیامبر اسلام از سمره خواست که بدون اذن وارد منزل انصاری نشود، ولی وی قبول نکرد. پیامبر از وی خواست که از نخل خود در منزل انصاری صرف‌نظر کند و نخل دیگری، حتی چند نخل دیگر در جای دیگر به جای آن دریافت کند، ولی سمره نپذیرفت. پیامبر مجدداً به سمره اعلام کرد که اگر از نخل در این دنیا بگذرد به جای آن در آخرت نخلهای دیگری به وی خواهد داد، ولی این بار هم سمره قبول نکرد. در پایان پیامبر اسلام برای جلوگیری از ورود بدون اذن و اجازه به منزل انصاری فرمودند که «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام». لذا به مرد انصاری اعلام کردند که «برو درخت را بکن و در مقابل وی (سمره) بینداز». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹۲ و ۲۹۴)

در کتب شیعه و اهل سنت نقل است که خلیفه دوم شبی مشغول گشت‌زنی در شهر بود. از خانه‌ای صدای آواز و عیش و طرب شنید و حدس زد که عمل حرامی در حال انجام است. برای تحقیق بیشتر از دیوار

منزلی که صدای غنا از آنجا برخاسته بود بالا رفت و صاحب منزل را صدا زد. خطاب به وی گفت: ای دشمن خدا، گمان کردم که خداوند بر تو لباس شرم و حیا پوشانده است، حال آنکه معصیت خدا می‌کنی؟ آن مرد در پاسخ خلیفه گفت: ای خلیفه، تعجیل مکن. اگر من یک معصیت کرده‌ام شما سه معصیت مرتکب شده‌اید. خداوند فرموده است تجسس نکنید و تو تجسس کردی؛ فرموده است به خانه‌های مردم از در وارد شوید و تو از دیوار بالا آمدی؛ و بالاخره آنکه خداوند فرموده است که بدون استیناس و اذن وارد خانه مردم نشوید ولی تو بدون اذن وارد منزل من شدی. خلیفه گفت: آیا اگر طلب بخشش کنم مرا می‌بخشی؟ صاحبخانه گفت آری و خلیفه از منزل خارج شد و رفت. (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۵، ص ۳۹۱)

و - ممنوعیت استراق سمع و بصر

۱. ابن عباس از پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده است که او فرمود: «...ومن استمع الى حديث قوم و هم له كارهون يصب في اذنيه الانك يوم القيامة» هر کس به سخنان و گفتگوی دیگران گوش بسپارد در حالی که آنان رضایت ندارند، در روز قیامت به گوشهای او سرب گداخته می‌ریزند. (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۹۳)

۲. از طریق محمد بن مروان از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت نموده است که آن حضرت می‌فرمود: «ثلاثة يعذبون يوم القيامة (الى أن قال) والمستمع حديث قوم و هم له كارهون يصب في اذنيه الانك.» سه دسته هستند که در روز قیامت دچار عذاب الهی خواهند شد و [آنان را برشمرد تا اینکه فرمود:] از جمله کسی که به مکالمه دیگران گوش دهد در حالی که آنان به این کار رضایت ندارند. به گوشهای چنین کسانی در روز قیامت سرب گداخته خواهند ریخت. (حر عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۷، ص ۲۹۷)

۳. قال النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «من نظر في كتاب اخيه بغير اذنه فكأنما ينظر في النار.» هرکس به نوشته برادر دینی اش بدون اذن او نگاه کند، گویی به

آتش نگاه می‌کند. (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ۱۵۹)

ز - ممنوعیت نیمه و غیبت

نیمه و غیبت، نقض حریم خصوصی اطلاعات اشخاص است. نیمه یعنی بیانی که خواه با زبان، خواه با صورت مکتوب و خواه با صورتهای دیگر همانند ایما و اشاره و رمز در حق دیگری گفته می‌شود. نیمه متضمن اظهار عیب یا نقص در مورد دیگری است به گونه‌ای که سبب کراهت خاطر و ناراحتی وی می‌شود. سبب نیمه ممکن است وجود یک نیت سوء در شخص مرتکب نسبت به منتسب‌الیه باشد یا اظهار حب و دوستی به مخاطب یا حتی تفرج یا فضولی کردن در امور منتسب‌الیه باشد. شهید ثانی می‌گوید حقیقت نیمه عبارت است از افشا و هتک سرّی که دارنده آن افشای آن را بر دیگران روا نمی‌داند. (شهید ثانی، بی‌تا، ص ۳۰۶) در آیه ۱۱ سوره قلم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منع شده است از ترتیب اثر دادن به سخنان نامان و عیب جویان. (هماز مشاء بنمیم)

غیبت وجه مشدد و شرترین قسم نیمه به شمار می‌رود. (همان، ص ۳۰۴) در وسایل الشیعه از زبان ابوذر منقول است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به وی وصیت کرده است:

«ای اباذر، از غیبت بر حذر باش که همانا غیبت شدیدتر از زناست. اباذر می‌گوید پرسیدم چرا؟ پیامبر فرمودند؟ پیامبر فرمودند: زیرا شخص زناکار چه بسا ممکن است توبه کند و توبه‌اش نیز مقبول حق قرار گیرد، اما غیبت بخشیده نمی‌شود مگر آنکه کسی که از او غیبت شده ببخشد. اباذر می‌گوید پرسیدم: ای پیامبر، غیبت چیست؟ پاسخ دادند: یعنی اینکه پشت سر برادرت حرفی بزنی که او خوشش نمی‌آید. گفتم حتی اگر آن حرف حقیقت داشته باشد؟ فرمودند: بدان که اگر شخصی را به گونه‌ای یاد کنی که در خصوص او صدق می‌کند مرتکب غیبت شده‌ای، اما اگر آنچه گفته‌ای در خصوص او صادق نباشد مرتکب بهتان شده‌ای». (حر عاملی،

۱۳۷۲، الجزء ۱۲، ص ۲۸۱)

در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است: «ألا أنبئکم بشرارکم قالوا بلی یا رسول الله قال المشاءون بالنمیمه المفرقون بین الاحبه الباغون للبراء المعایب.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۶۹)

شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه روایتی را نقل نموده است که خداوند قسم جلاله یاد کرده است که نام و ... و ساعی در فتنه را داخل بهشت نمی‌کند. (صدوق، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۵۶)

نتیجه‌گیری

به رغم سابقه کوتاه غرب در حمایت از حریم خصوصی، این پژوهش نشان می‌دهد که حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی از قدمت بسیار برخوردار است. مقوله‌های مختلف این حق با مبانی متعدد و محکمی مورد حمایت قرار گرفته است.

حریم خصوصی پیش از آنکه در غرب و کنوانسیونها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر پیش‌بینی شود با تأکید بسیار در منابع اسلامی مورد توجه بوده، در آیات متعددی از قرآن مجید بر لزوم رعایت حریم خصوصی اشخاص تأکید شده است. سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و سیره مسلمانان نیز سرشار از توصیه‌هایی در پرهیز از نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی است.

با وجود این، متأسفانه نه در نظام حقوقی ایران و نه در نظام حقوقی سایر کشورهای مسلمان، چه در تدوین قوانین و مقررات مربوط به حریم خصوصی و چه در رویه‌های عملی، اهمیت این حق و آثار ناشی از آن در روابط افراد با یکدیگر و با حکومت چنان‌که باید درک نشده و حمایت‌های لازم از آن صورت نگرفته است و به احکام تکلیفی بسیاری که در حمایت از حریم خصوصی وجود دارند و قابلیت تبدیل به احکام وضعی داشته‌اند بی‌توجهی شده است.

از حریم منزل، مکالمات، ارتباطات، عقاید و افکار در آیات و احادیث متعددی به تصریح حمایت شده است. به اعتماد بر ظواهر و حسن ظن



سفارش شده، از سوء ظن و تجسس در امور پنهانی دیگران منع شده است.

از لحن و شیوه بیان متون مختلف در حمایت از حریم خصوصی، چنین استنباط می‌شود که برخی امور و مکانها ذاتاً در قلمرو حریم خصوصی قرار دارند و برخی امور، بنا به خواست افراد ممکن است جزء حریم آنان و لازم‌الاحترام از جانب اشخاص ثالث قرار گیرد. برای مثال، اموری که اطلاع از آنها و آگاه ساختن دیگران از آنها اشاعه فحشا و منکر محسوب می‌شود ذاتاً در قلمرو حریم خصوصی است، اما مسائلی که افراد به دلایل شخصی آنها را از دیگران کتمان می‌کنند یا در صدد انکار و تکذیب آنها هستند - در صورتی که با حقوق دیگران تعارض نداشته باشد - به طور شخصی یعنی تنها در مورد آن شخص، حمایت شده است. استثناهایی که در منابع اسلامی بر ممنوعیت مداخله در امور دیگران وارد شده است بسیار محدود بوده، تنها به دلیل ضرورت‌های اجتماعی مهم نظیر امر به معروف (با رعایت کلیه شرایط آن)، جاسوسی در زمان جنگ یا جمع‌آوری ادله‌ای که برای جلوگیری از پایداری شدن حقوق جامعه ضرورت دارند مقرر شده‌اند. همچنین با توجه به اصول تفسیر، استثناهای حریم خصوصی تنها به قدر متیقن و قدر ضرورت خود محدود شده و تفسیر موسع آنها ممنوع است.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، (۱۳۷۹) ترجمه محمد دشتی، قم، مشرقین
۳. آمدی، عبدالواحد، (۱۳۸۱) غررالحکم و دررالحکم، قم، امام عصر،
۴. اردبیلی، احمد، (۱۴۱۱ق) مجمع الفوائد و البرهان، قم، موسسه نشر اسلامی،
۵. امام خمینی (ره)، (۱۳۶۸) المکاسب المحرمه، قم، اسماعیلیان، المجلد الاول
۶. بجنوردی، سیدمحمدحسن، (۱۴۱۹ق) قواعدالفقهیه، ج ۱، الهادی

۷. بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، (بی تا)، السنن الكبرى (سنن بیهقی) بیروت، دارالفکر
۸. جعفری، علی، (۱۳۸۴) نسبت رسانه‌های جهانی و بحران‌های جهانی با تاکید بر وقایع پس از ۱۱ سپتامبر، پژوهش و سنجش (پژوهش‌های ارتباطی)، ش ۴۲
۹. حرانی، ابن شعبه، (۱۴۰۴ق) تحف العقول عن آل الرسول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم
۱۰. حر عاملی، (۱۳۷۲) وسایل الشیعه، الجزء ۱۲، قم، آل البيت
۱۱. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، (بی تا)، بی جا
۱۲. حویزی، عبد علی، (۱۴۱۵ق) تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان
۱۳. خرازی، سیدمحسن، (۱۳۸۰) فی التجسس و التفتیش، فقه اهل بیت، ش ۲۶
۱۴. سجستانی، ابی داود سلیمان بن اشعث، (۱۴۱۰ق) سنن ابی داود، قم، دارالفکر، جلد ۲
۱۵. شهید ثانی، (بی تا)، رسائل، قم، بصیرتی
۱۶. شیخ انصاری، (۱۳۷۴) المکاسب، الجزء الثانی، ص ۲۱۴، قم، انتشارات دهاقانی
۱۷. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۰۶ق) من لایحضره الفقیه، قم، مؤسسه نشر اسلامی
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو،
۱۹. علامه حلی، (۱۴۱۰ق) المختصر النافع، تهران، الطبعة الثانیه،
۲۰. قرشی البغدادی، جمال الدین، (۱۴۰۷ق)، قم، دارالفکر، جلد ۷
۲۱. قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد انصاری، (۱۴۰۵ق) تفسیر القرطبی، جلد ۱۶
۲۲. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۲۳. مازندرانی، محمد، (بی تا)، شرح اصول کافی، جلد ۱۰
۲۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق) بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، جلد ۷۲
۲۵. محمدی ری شهری، (۱۳۷۵) محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، جلد ۱

۲۶. مناوی، محمد، (۱۴۱۵ق) فیض الغدیر، ج ۳، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۳
۲۷. نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۰) جواهرالکلام، تهران، المکتبه الاسلامیه،
جلد ۱۳
۲۸. نمازی، علی، (۱۴۱۹ق) مستدرک سفینه البحار، قم، موسسه النشر الاسلامی،
جلد ۷
۲۹. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسایل، (۱۴۰۸ق)، قم، آل‌الیت